

ایران کنفرانس

چگونه با این مساله بنویسیم

با این مساله قسمت بسیار مهم هر پروپوزال بوده و تقریباً در تمامی پروپوزالهای پژوهشی حضور دارد. با این مساله اولاً بخش محتوای پروپوزال است و تأثیر تعیین کننده ای در ارزشابی پروپوزال دارد و کیفیت با این مساله، نشان دهنده میزان آشنایی محقق با موضوع تحقیق است. زیرا به 10 سوال مهم در باره نحوه طراحی با این مساله در پروپوزالها می پردازیم.

1- با این مساله، با این چه چیزی است؟ در با این مساله به چه چیزی با اشاره کنیم؟ از کجا تشخیص می دهیم که موضوع، مساله هست یا خیر؟ به عنوان مثال مشارکت شهروندان در امور فرهنگی اساسی مساله است یا خیر؟ اوقات فراغت مساله است یا خیر؟ اعتقاد به سبک زندگی چطور؟ گزارش به موسیقی و فیلم؟ رضایت شغلی کارکنان یک سازمان؟ عملکرد تحصیلی دانشجویان؟ روحیه کارآفرینی فارغ التحصیلان؟ کارآیی اساتید؟ و خب می از موضوعات دیگر. آیا هر موضوعی به محض اینکه مورد تحقیق قرار بگیرد به مساله تبدیل می شود؟ نشانه های مساله بودن یک موضوع کدامند؟

اگر هدف اصلی هر تحقیق را فراهم ساختن شناخت روشمند نسبت به یک موضوع در نظر بگیریم، آنگاه در با این مساله تحقیق با دید به پدیده های منفی جهانی که نسبت به موضوع وجود دارد اشاره کنیم. به گونه ای که افراد مرتبط با آن موضوع با خواندن آشنایی دستورات استدلالات ما بیفزایند که فقدان اطلاعات روشمند نسبت به آن موضوع می تواند به همان پدیده های منفی که اشاره کرده ایم انجامد. به عنوان مثال در با این مساله مشارکت شهروندان در امور فرهنگی با دید استدلالات قابل قبولی عرضه کنیم مبنی بر این که فقدان آکمبود اطلاعات روشمند و مستند به پژوهش علمی در زمینه مشارکت شهروندان در امور فرهنگی می تواند پدیده های منفی متعددی به دنبال داشته باشد.

2- جهت نسبت به موضوع به چه معنایی است؟ در اینجا منظور از جهت به موضوع، فقدان آکمبود اطلاعات روشمند نسبت به

الف- کم و کیف موضوع،

ب- علل بوجود آورنده مساله،

ج- راه های حل مساله

د- و اسنجش اثربخشی برنامه (کاربست راهکارها) ی مرتبط با حل مسأله می باشد.

مثلاً چنانچه در باره مشارکت انجمن مشارکت شهروندان در امور فرهنگی اطلاعاتی که حاصل تحقیق روشمند باشد، وجود نداشته باشد می گوئیم با یک مسأله مواجه هستیم. چنانچه اطلاعات دقیقی در باره علل پائین بودن مشارکت شهروندان در امور فرهنگی نداشته باشیم، پائین مسأله ای در م است که نیاز به تحقیق دارد و نیازگر راه های افزایش و ارتقای مشارکت شهروندان را ندانیم با مسأله ای سروکار داریم. گاهی اوقات نیز پیش می آید که در باره ارتقای سطح مشارکت شهروندان، برنامه ای اجرا شده است ولی برنامه مربوطه مورد ارزشی قرار نگرفته است و اطلاعات روشمندی در باره اثربخش بودن نبودن آن وجود ندارد، در این حالت نیز با مسأله سروکار داریم.

3- چگونه می توان اثبات کرد در باره موضوع مورد نظر ما اطلاعات روشمند وجود ندارد؟ ابتدا می توان جستجوی در کتابخانه ها و مراکز پژوهشی انجام داد و به این موضوع پی برده و آن را نقل نمود. مثلاً اگر شما نشان دهید که آخرین تحقیق که در باره کم و کیف موضوع مورد نظر شما انجام شده است مربوط به ده سال پیش است و آنگاه به تفرات عمده ای که در طول این ده سال در جامعه مورد بررسی ایجاد شده است اشاره نماید، خلاء اطلاعات روزآمد در باره آن موضوع را نشان داده است. گاهی اوقات اطلاعات روشمند روزآمدی در باره موضوع وجود دارد، اما این اطلاعات روزآمد مربوط به جوامع آماری دیگری است. در اینجا باید ضمن اشاره به تحقیقات مزبور به تفاوت های بنیادینی که بین جامعه مورد نظر ما و جوامع آماری مزبور وجود دارد اشاره نماید. یکی دیگر از نشانه های خلاء دانشی در باره موضوع مورد بررسی استناد به تصمیمات و برنامه های متنوع و بعضاً متضادی است که در ارتباط با موضوع مورد نظر اتخاذ می شود. تصمیمات مزبور نشانه اطلاعات ضد و نقیض در باره موضوع است.

4- چگونه می توان نشان داد که فقدان کمیبود اطلاعات روشمند در باره موضوع، نشانه وجود مسأله است؟ برای این مهم باید به پدیده های منفی متعددی که حاصل اقدامات نامناسب در ارتباط با موضوع است اشاره کند. با این کار در حقیقت می خواهیم ثابت کنیم اگر اقدامی در ارتباط با موضوع انجام نشده است به دلیل فقدان اطلاعات لازم بوده است و اگر اقدامی در ارتباط با موضوع انجام شده است بر اطلاعات صحیح و روزآمد استوار نبوده است.

5- منظور از پدیده های منفی چیست؟ به این پدیده های منفی بخش مهمی از آن مسأله است و می تواند توجه عمیق خواننده را نسبت به مسأله بودن موضوع تحقیق جلب نماید. منظور از پدیده های منفی، مجموعه زائنه های مالی، آسبهای روانی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که ناشی از فقدان کمیبود اطلاعات روشمند در زمینه موضوع می باشد. می توان با یک تقسیم بندی ساده پدیده های منفی را در چهار بعد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در سه سطح خرد (فردی)، میانه (سازمانی) و کلان (ملی) دسته بندی کرد. گاه برخی پدیده های منفی در طول یکدیگر قرار داشته و برخی از آنها برخی دیگر را تشدید می کنند، به این روابط موجود در م این پدیده های منفی نیز می تواند ابعاد مسأله از موضوع را نشان دهد. این الگویی می تواند ما را در این تفصیلی مسأله آری نماید. من اعتقاد دارم برای جلب توجه سریع و در عین حال عمیق خواننده نسبت به موضوع، بهتر است استدلال های خود در این زمینه را با برجسته کردن نوشته های خود را به تصویر کشیدن آن در قالب یک گرامر نشان دهیم.

تذکر: نکته مهمی که در این پاره‌های منفی لازم است به آن اشاره نماید ربط پاره‌های منفی مزبور به شرح وظایف و اهداف آن سازمانی است که می‌خواهد تحت‌توجهی را برایش انجام دهد. چه بسا پاره‌های منفی مربوط به یک مسأله که وظایف خنثی‌سازی آن مربوط به سازمانهای دیگر باشد. در حقیقت محقق باید به صورت مستند ربط مسأله را با سازمانی که می‌خواهد تحت‌توجهی را برای آن انجام شود نشان دهد.

6- پاره‌های منفی مربوط به مسأله را از کجا تشخیص بدهیم؟ نوشتن این بخش به قدرت تجزیه و تحلیل شما بستگی دارد. به این حال پیشنهاد می‌کنیم با افرادی که در این زمینه تحقیق کرده‌اند و نیز با کسانی که در ارتباط با موضوع تحقیق مورد نظر شما شغلی دارند مصاحبه کنید. مخصوصاً سازمانی که این درخواست انجام تحقیق در باره موضوع مورد نظر شما را دارد. ادتاین باشد از قبل سوالاتتان را برای مصاحبه با این افراد آماده کنید. از آنها سوال کنید چرا این موضوع توجه آنها را به خودش جلب کرده است. از دیگران سوال کنید که به نظر شما چرا این موضوع برای فلان سازمان مهم شده است تا تحقیق در باره اش انجام شود و سوالات مشابه.

7- چه وجهی از مسأله مهمتر است؟ توصیف، تبیین، راهکارها یا ارزشابی؟ من اعتقاد دارم مادام که توصیف دقیق و روشمندی از کم و کیف مسأله وجود نداشته باشد پرداختن به تبیین و پاسخ‌گفتن به چرایی آن بیهوده است. لذا وجه توصیفی مسأله از همه مهمتر است. بعد از توصیف، تبیین مسأله اهمیت پیدا می‌کند. بدین معنا که چنانچه در جریان توصیف و بدین دقیق کم و کیف موضوع متوجه وجود مسأله‌ای شدید آنگاه باید یک پژوهش روشمند در زمینه علل پدیده‌ها شناسایی کنید تا بتوانید مسأله انجام دهید. تا وقتی که علل و زمینه‌های ایجادکننده یک مسأله طی تحقیق روشمند به ما شناسانده نشود هرگونه تحقیق در باره ارائه راهکار برای برطرف کردن مسأله به مثابه آب در هواون کوبیدن است. تحقیق برنامه‌ای وقتی می‌تواند انجام شود که شناخت دقیق در باره علل پدیده‌ها مسأله وجود داشته باشد. در وهله چهارم و آخر نوبت به تحقیق ارزشابی می‌رسد که منوط به اجرای برنامه‌ای است مبتنی بر راهکارهای مستند به تحقیقات پیشین. البته گاهی اوقات ممکن است برنامه‌ای بدون استناد به تحقیقات و راهکارهای علمی اجرا شده باشد. در این حالت می‌توان به صرف انجام شدن یک برنامه، تحقیق در زمینه ارزشابی اثربخشی آن برنامه انجام داد.

8- در توصیف مسأله باید به چه سوالاتی بپردازیم؟ در توصیف مسأله می‌توان به ابعاد مختلفی از مسأله پرداخت که از آن جمله می‌توان به مقدار (کمیت)، مسأله، چگونگی (کیفیت)، مسأله و زمان و مکان مسأله اشاره نمود. این سوالات اگر به تفکک متن رهای زمینه‌ای دیگر ارائه شود می‌تواند به انگر وسعت دامنه تحقیق نیز باشد.

9- در تبیین مسأله چه سوالاتی اهمیت دارد؟ در تبیین مسأله باید بدین تحقیقات آکادمیک و تحقیقات کاربردی تمایز قائل شد. در تحقیقات آکادمیک ممکن است هدف نظر به آزمای‌ها باشد لذا سوالاتی مطرح می‌شود که به نظر به مورد نظر نزد یک باشد. اما در تحقیقات کاربردی هدف نظر به آزمای‌ها نیست. لذا سوالات فرضیت مورد نظر با حدت‌های امکان‌به‌کاربرد نزد یک باشد. در طراحی سوالات تبیینی باید به متن رهای که برای سفارش دهنده پژوهش امکان دستکاری در آنها برنامه‌ریزی بر اساس آنها سر باشد بپردازیم.

10- در پژوهش برنامه‌ای چه سوالاتی اهمیت دارد؟ در پژوهش برنامه‌ای نباید سوالات را به آنچه که باید انجام داد منحصر ساخت. محقق در پژوهش برنامه‌ای علاوه بر آنکه ماهیت اقداماتی که برای حل مسأله لازم است انجام شود مشخص نماید، باید سوالات مهم دیگری را نیز پاسخ بدهد که مهمترین آنها عبارتند از: جامعه هدفی که قرار است

تغییر بر روی آنها انجام شود چه ویژگی‌ها دارد؟ کارگزاران تغییر آکسانی که قرار است مجری برنامه باشند چه ویژگی‌ها دارند و نیز باید داشته باشند؟ زمانها و مکانهای مناسب برای اجرای برنامه کدامند؟ هزینه مورد نیاز برای اجرای برنامه چه مقدار است و از کجا باید تامین شود؟

منبع: ایران پژوهان